

زیباییهای کربلا

محمد محمدیان

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

فهرست

مقدمه:

فصل اول: حق محوری

- ۹ به خدا سوگند راه ما حق است
- ۱۰ آیا نمی بینید که حق پایمال می گردد؟!

فصل دوم: عزت مداری

- ۱۴ آیا من با یزید بیعت نمایم؟ هرگز!
- ۱۵ هیچ گاه تن به دنائت و پستی نخواهم داد!
- ۱۶ اگر هیچ پناهگاهی هم نباشد بیعت نمی کنم!
- ۱۷ نه بیعت با ذلت و نه فرار با زبونی!
- ۱۸ هیاهات متا الذلة
- ۱۸ مرگ بهتر از پذیرش ننگ است!

فصل سوم: وفاداری و استقامت

- ۲۲ من یارانی با وفاتر از یاران خود سراغ ندارم!

۲۲	 میان ما و مردم کوفه عهد و پیمانی است!
۲۵	 اظهار وفاداری چند تن از یاران

فصل چهارم: دلسوزانه ترین برخوردها با دشمن

۲۸	 استقبال از لشکر حرّ
۳۰	 دعوت عبیدالله بن حرّ جعفی
۳۲	 ملاقات با عمر بن سعد

فصل پنجم: زیباترین بازگشتها

۳۶	 بازگشت زهیر
۴۱	 توبه حرّ

فصل ششم: شورانگیزی جوانان و نوجوانان

۴۹	 علی اکبر: آینه جمال رسول الله ﷺ
۵۱	 شور جوانان هاشمی
۵۲	 سیمای نورانی یادگار امام مجتبیٰ علیه السلام
۵۵	 دفاع عبدالله بن حسن علیه السلام از امام
۵۷	 امیری حسین و نعم الامیر

فصل هفتم: پیرمردان زنده دل

۶۰	 برافروختگی سیمای امام
۶۲	 حبیب بن مظاهر صاحب سرّ امیرالمؤمنین علیه السلام
۶۴	 مسلم بن عوسجه، کوفی وفادار
۶۶	 حنظله شبامی خطیب توانا

فصل هشتم: بزرگواری غلامان

۷۳	 جون پیر غلام حضرت
----	-------------------------

۷۵ واضح، غلام ترک، قاری قرآن

فصل نهم: شیر زنان کربلا

۷۹ همسر و مادر شهید

۸۱ مادر و همسر ابو وهب

۸۲ اگر زینب نبود!

فصل دهم: عبادت‌های عاشقانه

۸۴ عصر تاسوعا: مهلتی برای عبادت و مناجات

۸۶ نغمه‌های مناجات و زمزمه‌های شب عاشورا

۸۷ نماز عشق در زیر باران تیرها

۸۹ آخرین مناجات امام حسین (علیه السلام)

فصل یازدهم: زیباترین شب تاریخ

۹۱ مدال افتخاری بر سینه یاران

۹۲ آزمونی برای خالص‌تر نمودن یاران

۹۳ اظهار وفاداری یاران

۹۶ بشارت شهادت

فصل دوازدهم: شجاعت و شهادت‌طلبی در کربلا

۱۰۱ از جان گذشتگان می‌توانند همراه من باشند

۱۰۲ آیا مرا از مرگ می‌ترسانی؟

۱۰۳ مرگ سعادت‌مند و یا زندگی نکبت‌بار

۱۰۳ لبخند شادی هنگام دریافت مژده شهادت

۱۰۴ شهادت: شیرین‌تر از غسل

۱۰۵ عرشیان نیز بشارت شهادت می‌دهند

۱۰۶ آماده عبور از پل مرگ و آزادی از زندان دنیا باشید!

- ۱۰۷ چو نان شیر حمله می کردند!
- ۱۰۷ عابس بدون لباس رزم به میدان می رود!
- ۱۰۸ به سوی بهتر از دنیا و ما فیها!
- ۱۰۹ دلاورتر از حسین علیه السلام ندیدند!

فصل سیزدهم: امام علیه السلام بر بالین یاران

- ۱۱۳ بر بالین زهیر
- ۱۱۴ بر بالین حرّ
- ۱۱۵ بر بالین مسلم بن عوسجه
- ۱۱۵ بر بالین حبیب
- ۱۱۶ بر بالین علی اکبر
- ۱۱۶ بر بالین قاسم
- ۱۱۷ بر بالین جون
- ۱۱۸ بر بالین واضح
- ۱۱۸ دوستانمان را از کوثر سیراب می کنیم!

فصل چهاردهم: اشعار زیبای کربلا

- ۱۲۰ شعری از امام علیه السلام در منزل شقوق
- ۱۲۱ استناد امام علیه السلام به شعر شاعر اوسی
- ۱۲۲ شعری از امام علیه السلام در شب عاشورا
- ۱۲۲ حماسه‌ای از امام علیه السلام در میدان جنگ
- ۱۲۳ رجزی از امام علیه السلام در روز عاشورا
- ۱۲۴ رجزی دیگر از امام علیه السلام
- ۱۲۴ شعری از امام علیه السلام در رثای برادرش عباس
- ۱۲۷ سخن آخر
- ۱۲۹ منابع

مقدمه:

به این فراز از تاریخ توجه کنید:

سید ابن طاووس از دانشمندان بزرگ جهان اسلام و تشیع در کتاب معتبر خود به نام لهوف نقل می‌کند که بعد از پایان روز عاشورا و انتقال اسیران کربلا به کوفه، این زیاد استاندار کوفه مجلسی را فراهم کرد تا جشن پیروزی خود را در مقابله با علویون برپا کند و با به نمایش گذاشتن اسیران، سند این پیروزی را به مردم ارائه نماید و در یک مجلس بی‌نظیر کینه‌ها و عقده‌های فروخته خود را نسبت به آل علی علیه السلام اظهار و عقده‌گشایی نماید، پس همه مردم را به این مجلس که در دارالاماره برپا شده بود دعوت نمود و در میان ازدحام جمعیت دستور داد که اسیران را وارد نمایند!

فرماندهی اسیران بر عهده شیرزن کربلا دختر علی بن ابی طالب علیه السلام بود، او که روزی در همین شهر کوفه به عنوان دختر امیرالمؤمنین علیه السلام بر کرسی تعلیم و تربیت می‌نشست و زنهای کوفی در مجلس او شرکت می‌کردند و از علوم وی بهره می‌بردند، اکنون به عنوان اسیر وارد این شهر شده، اماگویی او هنوز دختر حاکم همین جامعه است و ذره‌ای از هیبت و ابهت او کاسته نشده است.

زینب علیها السلام با کمال بی‌اعتنایی وارد مجلس شد و چنان عظمت و شوکت این زیاد را با این برخورد درهم فرو ریخت که این زیاد نتوانست سکوت کند و بر خود مسلط بماند و در نهایت غضب که ناشی از تحقیر شدن شخصیتش بود سؤال کرد که این زن کیست؟ و جواب شنید که او دختر علی است، آنگاه برای جبران تحقیری که شده بود زبان به شماتت گشود و گفت:

«الحمد لله الذي فضحكهم وأكذب أحدو ثكم!»

خدا را شکر که مفتضح شدید و خداوند دروغ بودن ادعاهای شما را اثبات نمود!

زینب کبری در پاسخی دندان شکن با شهادت کامل جواب داد:

«إنما يفتضح الفاسق و يكذب الفاجر و هو غيرنا»

آن‌ها که فاسقند مفتضح و رسوا می‌شوند و اهل فسق و فجور ناچار به دروغ‌گویی هستند و بحمدالله ما چنین نیستیم.

این زیاد که جواب تندی شنیده بود گفت: دیدی خدا با برادرت و خاندانت چه کرد! چگونه دیدی کار خدا را؟!۱

و اینجا بود که زینب کبری کلام تاریخی خود را بر زبان جاری ساخت و بلندترین کلامی را که ممکن بود در وصف عاشورا گفته شود بیان کرد:

«ما رأيت إلا جميلاً، هؤلاء قوم كتب الله عليهم القتل، فبرزوا إلى مضاجعهم، و سيجمع الله بينك و بينهم، فتحتاج و تخصم، فانظر لمن الفلج يومئذ، هبلك أمك يابن مرجانة!۲

من جز زیبایی ندیدم! آنان کسانی بودند که خداوند سرنوشت‌شان را شهادت تعیین کرده بود، لذا با شهادت به جایگاههای ابدی خود رفتند، اما خداوند به همین زودی تو و آنان را در یک جا

۱. لهوف، ص ۱۶۰؛ مثير الاحزان، ص ۹۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۵؛ الفتوح، ج ۲، ص ۱۷۵.

گرد هم خواهد آورد و تو باید پاسخگوی اعمالت باشی و برای محکمه الهی جواب آماده نمایی. حال بنگر که در آن محاکمه، سرفرازی و پیروزی از آن چه کسی خواهد بود؟ مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!

شگفت‌آور است که حضرت زینب نمی‌گوید: من زیبایی دیدم، بلکه می‌گوید: جز زیبایی ندیدم!

سخن زینب کبری نیاز به تأمل و تدبّر فراوان دارد زیرا امام سجاد علیه السلام در توصیف عمه‌اش زینب فرمود:

«أنت بحمد الله عالمة غير معلّمة فهمة غير مفهّمة»^۱

شکر خدا که تو از دانشی بهره‌مند هستی که با تعلیم و تعلّم عادی به دست نمی‌آید و از فهم و درک بالا و برتری برخوردار می‌باشی!

این کلام تأیید فوق‌العاده‌ای است که نشان می‌دهد زینب کبری قریب به عصمت بود، و به همین دلیل باید در سخن وی دقت کرد. حضرت زینب در مقام شعرسرایی و مبالغه نبوده و عین واقعیت را گفته است، اما درک این واقعیت نیازمند به تحلیل عمیق نهضت عاشورا دارد، آن هم از این زاویه خاص.

به راستی اگر ما از نگاه زینب کبری به کربلا بنگریم تا چه میزان نگاه ما دچار تغییر خواهد شد و تجزیه و تحلیل ما نسبت به این حماسه بزرگ متحوّل خواهد شد؟! *

* * *

تاریخ کربلا و فرهنگ عاشورا از دیدگاه‌های متفاوت و زاویه‌های متنوعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از هر جهتی که مورد ارزیابی واقع شده

درسها و عبرتهای فراوان و آموزه‌های بی‌بدیل داشته است.

جریان کربلا از نظرگاه عقیدتی و نگرش ناب شیعی بسیار حائز اهمیت بوده و اصول محکم اعتقادی تشیع را توأم با منطق قوی و متین تبیین می‌نماید.

از جنبه تاریخی و تحلیل جامعه‌شناختی و نقش خواص در اصلاح و افساد جامعه دینی، جریان کربلا یک نمونه بی‌نظیر می‌باشد که از شفافیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و قابل فهم برای همگان است.

تأثیرگذاری حادثه کربلا در روند تاریخ اسلام و تعمیق فرهنگ شیعی از جهات مختلف قابل تأمل و عبرت آموز می‌باشد که اگر تحقیقی گسترده در این زمینه انجام گیرد نتایج مفیدی برای جامعه دینی در پی خواهد داشت.

تأثیر حادثه عاشورا و نهضت حسینی در متون ادبی جهان اسلام و همچنین آداب و سنن اجتماعی مسلمانان، از زوایای مختلف قابل بررسی می‌باشد که البته کارهای خوبی در این زمینه انجام گرفته است، لیکن هنوز جای کار بسیار است، از جمله سؤالی که کمتر به آن پرداخته شده این است که چرا تاریخ کربلا زنده مانده است و فرهنگ عاشورا پویاتر و شاداب‌تر، پیوسته در حال گسترش است؟ در جوهره نهضت امام حسین (علیه السلام) چه جاذبه‌هایی وجود دارد که بعد از گذشت صدها سال هیچ خمودگی و رخوتی در این فرهنگ احساس نمی‌شود؟ و رشد و بالندگی آن قابل درک و لمس است!

تأمل در جاذبه‌های فرهنگ عاشورا که موجب بقا و استمرار و شکوه و بالندگی آن شده است همچون دستیابی به گنج با ارزشی است که می‌توان با بهره‌مندی از آن در انتقال این فرهنگ به نسل جوان، تحولی شگرف و جهشی فوق‌العاده ایجاد کرد.

دیدگاه زینبی به نهضت عاشورا می‌تواند جاذبه‌های این نهضت را نمایان‌تر ساخته و راه را برای ارائه هر چه بهتر این مکتب هموار سازد.

آری از نگاه حضرت زینب علیها السلام، کربلا زیباترین تابلویی است که در عالم بشریت ترسیم شده و برترین حقایق در محسوس ترین شکل بر آن نقش بسته و دور دست ترین افقها در آن به وضوح نشان داده شده است.

زینب علیها السلام دانش آموختهٔ مکتب امام العارفین حضرت حسین علیه السلام است که در دعای عرفه خویش با صراحت بیان می‌کند:

«الهی علمت باختلاف الاثار و تنقلات الاطوار ان مرادك مني ان
تتعرف الي في كل شيء حتى لا اجهلك في شيء»^۱

بارها! با پی در پی بودن آثار تو و دگرگونی حالتهای آنها دریافتم
که مقصود تو از خلقت من آن است که تو خود را در هر چیزی به
من بشناسانی، تا اینکه نسبت به تو در هیچ چیز جاهل نباشم.

اگر زینب کبری می‌گوید: «ما رأیت إلا جمیلاً» برای این است که شهود اسماء و
صفات حق در متن حوادث و محیط بر همهٔ اشیاء که قطعاً توأم با شهود جمال و
زیبایی حق می‌باشد، جایی برای مشاهدهٔ غیر زیبا نمی‌گذارد!

گرچه در نگاه اول، سیاهی موجب تکدر خاطر و ملال آور است، اما برای
نمایان ساختن سفیدی و روشنائی و ظهور کامل نور، کمک شایانی می‌نماید و با
زشتی خود بر زیبایی نور می‌افزاید! همان گونه که سیاهی ابروان و موی سر بر
جذبۀ چهرهٔ آدمی می‌افزاید و زیبایی آن را دو چندان می‌سازد.

در کربلا رفتارهای بسیار زشتی از دشمنان حضرت حسین علیه السلام صادر شد که
نشانگر انتخاب غلط و نادرست آنان بود و موجب سقوط و انحطاطشان از مرتبۀ
انسانی شد، اما ظلمت رفتار آنان فضایی را پدید آورد که همهٔ چشمهای بینا
غرق در تماشای انتخاب زیبای یاران امام حسین علیه السلام شدند و چنان در این
زیبایی خیره ماندند که فرصتی برای مشاهدهٔ زشتیها باقی نماند! و بدیهی است

۱. اقبال الاعمال، ص ۳۴۸، دعای عرفه امام حسین علیه السلام.

نگاه نافذ زینب که در دامان علی و فاطمه تربیت یافته و در کنار دو امام بزرگ، سروران جوانان بهشتی رشد و نمو داشته است، بیشتر و بهتر از دیگران متوجه آن زیباییها بود و چون از عمق زیباییها نیز خبر داشت در افق گسترده‌تری به تماشای زیباییهای کربلا می‌پرداخت.

* * *

در این کتاب سعی شده است با نگاهی زینبی به جریان کربلا نگریسته شود و یک بار دیگر ورقهای زرین و در عین حال خونین تاریخ کربلا ورق زده شود و زیباییهایی که زینب کبری می‌دید و بدانها می‌بالید تقدیم شیفتگان نهضت پر افتخار عاشورا گردد، به امید آنکه نفس مسیحایی سیدالشهداء و الطاف خواهرش در این سیر معنوی مدد رسان ما باشد، انشاء الله.

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْيَقِينِ وَ مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ صَلَوَاتِ الْمَصْلُوحِينَ.

محمد محمدیان